

درس شانزدهم

پرسگری

نمی دانم آیا هیچ دقت کرده اید که گوش آدم ها شبیه « علامت سوال » است؟ گویی منتظر هزاران جواب است. یکی به دنبال موجودات عجیب و غریب فضایی است و می خواهد بداند آن ها وجود دارند یا نه و اگر وجود دارند، در کجا زندگی می کنند و چه شکلی هستند. دیگری می خواهد بداند چرا زمین گرد است. چرا از روی زمین لیز نمی خوریم و در آسمان معلق نمی مانیم؟ یک



نفر می خواهد بداند چرا خورشید آن بالا ایستاده است و نمی افتد. یکی هم دوست دارد بداند چرا قهرمان فلان داستان، قوی و باهوش است و چگونه می توان مثل او شد. خلاصه، هزاران سؤال وجود دارد که در مفرمان می چرخد و می چرخد.

سؤال بعضی ها، همین طور به گوش آن ها آویزان می ماند؛ مثل یک گوشواره. بعد هم، یک مرتبه می افتد و گم می شود. پس در دنیا، هزاران سؤال پرسیده نشده و گم شده وجود دارد؛ ولی دانشمندان، پژوهشگران و بسیاری دیگر، همواره به دنبال پرسش های خود می روند و آن قدر می گردند تا پاسخ آن ها را پیدا کنند.

یکی از این دانشمندان که همیشه تشنه یادگیری و دانش اندوزی بود، ابوریحان بیرونی است. او یکی از بزرگ ترین ریاضی دانان و فیلسوفان ایرانی است که



کتاب های زیادی درباره ی مسائل گوناگون نوشت. همه ی زندگی ابوریحان در راه گسترش و رشد علم و دانش سپری شد. این دانشمند بزرگ همواره در جست و جوی علت اتفاقاتی بود که در اطرافش روی می داد. او به کشف چیزهای ناشناخته، علاقه ی بسیار داشت و از نادانی و جهل، گریزان بود.

هنگامی که سال های عمر او به هفتاد و هشت رسید و در

بستر بیماری، واپسین لحظه های زندگی را می گذرانید، دوستی دانشمند، برای احوال پرسی

بر بالینش آمد. ابوریحان با همان حالت بیماری با کله‌هایی بریده و کوتاه از او خواهش کرد که پاسخی از مسائل علمی را توضیح دهد. دانشمند گفت: «دوست گرامی! اکنون در بستر بیماری، چه جای این پرسش است؟»

ابوریحان با ناراحتی پاسخ داد: «کدام یک از این دو بهتر است: این که مسئله را بدانم و بمیرم یا نادانسته و جاهل، درگذرم؟»

درست و نادرست

- ۱ گوش همه‌ی موجودات شکل علامت سؤال است.
- ۲ سؤال‌های زیادی در مغز ما انسان‌ها می‌چرخد.
- ۳ در دنیا به همه‌ی سؤال‌ها پاسخ داده می‌شود.

درک مطلب

- ۱ چه کسانی به دنبال سؤال‌های خود می‌روند؟
- ۲ دو ویژگی ابوریحان بیرونی را با توجه به متن بیان کنید.
- ۳ چه سؤال مهمی در ذهن شما وجود دارد؟ آیا به دنبال پاسخ آن بوده‌اید؟
- ۴ «ابوریحان همواره در جست‌وجوی علت اتفاقاتی بود که در اطرافش روی می‌داد.» مفهوم این جمله را با مثال بیان کنید.

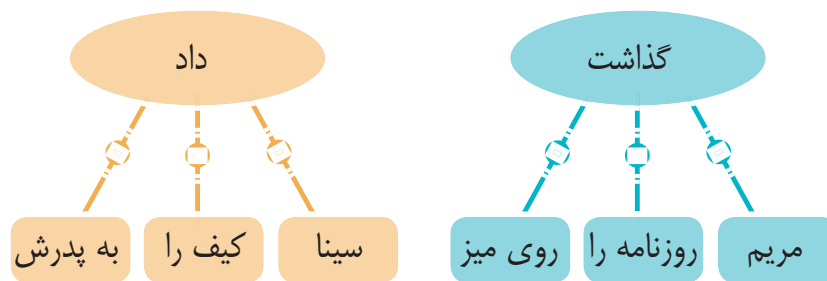
..... ۵

جمله‌های زیر را بخوانید.

■ مریم روزنامه را روی میز گذاشت.

■ سینا کیف را به پدرش داد.

حالا به نمودار جمله‌ها دقت کنید. در گروه گفت‌وگو کنید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.



این جمله‌ها از چند قسمت تشکیل شده‌اند؟ چرا؟

چرا کلمه‌های «گذاشت، داد» بالای نمودار هستند؟

وقتی به کسی بگویید: «مریم روزنامه را گذاشت.» او می‌پرسد: «کجا گذاشت؟» برای اینکه پیام کامل باشد، جمله‌ی شما بخش دیگری نیز دارد.

روان خوانی

به این داستان گوش کنید و به لحن خواندن آن توجه کنید. حالا شما کتاب

داستانی را با لحن مناسب برای دوستانتان بخوانید.

خِرَد و دانش

بخوان و حفظ کن



ز دانش دل پیر، بُرنا بود
که او باد، جان تو را رهنمای
بیابی ز هر دانشی، رامشی
ز دانش میفکن، دل اندر گمان
که بهره ندارد ز دانش، بسی
به بی‌دانشان بر، بیاید گریست
که نادان به هر جای، بی‌رامش است

توانا بُود هر که دانا بُود
به دانش فزای و به یزدان گرای
بیاموز و بشنو ز هر دانشی
میاسای از آموختن، یک زمان
چه ناخوش بُود، دوستی با کسی
که بیکاری او ز بی‌دانشی است
تن مُرده، چون مَرَد بی‌دانش است



